

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لوموند دیپلماتیک

در افغانستان، هند و پاکستان در برابر هم قد علم می کنند

نوشته Isabelle SAINT-MEZARD

جنوری ۲۰۱۰

بیش از صد کارمند آمریکایی (دیپلومات و صنعت کار) چندین هفته به ناچار برای روایت سفر خود به پاکستان در انتظار ماندند. برخی ها نیز تا پایان دسامبر هنوز آنرا دریافت نکرده بودند. در واقع بخشی از رهبران اسلام آباد، به ویژه در صحن ارتش، حضور فزاینده ایالات متحده و فشار تحمل ناپذیرش بر زمامدارانشان را بیرون از حد و اندازه می پندارند و بر موانع ترافیکی ها می افزایند. بیم آن می رود که آشوب و هرج و مرج افغانستان به پاکستان نیز که از نفوذ بیش از پیش هند نزد مقامات کابل نگران است گسترش یابد.

رقابتی تاریخی که هند و پاکستان را از زمان تقسیم شبه قاره در سال ۱۹۴۷، رو در روی یکدیگر نهاده و تاکنون کشمیر صحنه اصلی رویارویی آندو بوده، اینک به افغانستان نیز گسترش یافته است. نبرد میان دو همسایه روی هم رفته به برد و باختی می ماند که آنچه یکی آنها از دست می گذارد لزوماً همان داوی است که دیگری به دست می آورد. رقابت میان آنها اینک به مرحله خشونت بارتری نیز رسیده است. هرچند همواره پیچیده ترین دشواری ها در تعامل با یکدیگر گریبانگیر ایندو کشور بوده است، اما از سال ۲۰۰۴، توانسته بودند میان خود باب گفتگوهای را بگشایند.

این مذاکرات مشقت بار نیز از سو قصد های تروریستی که در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۸ در بمبئی رخ داد، جان سالم به در نبردند (۱): هند سریعاً به این نتیجه رسید که آن حمله را لشکر طیبۀ سازمان داده که نهضتی تندرو با پایگاهی در پاکستان است و به داشتن پیوندهای تنگاتنگ با دستگاه های اطلاعاتی آن کشور (اطلاعات میان ستادی) شهرت دارد. هرچند دولت هند از زدن ضربات «جراحی وار» بر اردوگاه های لشکر طیبۀ چشم پوشید، با اینهمه بازداشت رؤسای تاریخی این سازمان و

کشاندن آن‌ها به پیشگاه عدالت را پیش شرط ناگزیر از سرگیری هرگونه بحث و گفتگویی دانست. روز ۲۷ نوامبر گذشته مقامات پاکستانی برای شش تن از رهبران این تشکل قرار اتهام صادر کردند. با اینهمه آقای حافظ محمد سعید که واشنگتن و دهلی وی را مغز متفکر سو قصدها به شمار می‌آورند همچنان آزادانه می‌گردد.

سیاست پاکستان در قبال کابل تازگی ندارد. تصمیم‌گیران پاکستان هر که باشند و مشخصاً بلندپایگان سلسله مراتب نظامی، همواره سرکار بودن رژیمی موافق مصالح خود در افغانستان را برای امنیت کشور حیاتی دانسته و برعکس از افتادن این کشور در مدار نفوذ هند بیش از هرچیز واهمه داشته‌اند. زیرا در چنان حالتی کشور را در ناگوارترین وضعیت سوق الجیشی باز خواهند یافت که لبه تیغ گازانبوری دو خصم همسایه، در شرق همانند غرب کشورشان را در منگنه خواهد گذاشت. از اینرو اگر رهبران این کشور در پی دخالت در سیاست افغان برآمده و پیش از آن در سال‌های جهاد علیه نیروهای شوروی غالباً از تندروترین مجاهدین و سپس تا سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ از آنان حمایت کرده‌اند، واکنشی کم و بیش برای بقا بوده است.

امروز با وجود مداخله نظامی بین‌المللی این تصمیم‌گیران همچنان پیوندهای خویش با تمام طرف‌های درگیر در بحران، از جمله و خصوصاً طالبان افغانی که آنان را چون برگ برنده خویش می‌پندارند با یکدندگی هرچه بیشتر حفظ کرده‌اند، زیرا یقین یافته‌اند بدترین شق ممکن [برای آنها]، یعنی اوجگیری قدرت هند، در شرف تکوین است.

حقیقت آن است که هند از سقوط رژیم ملا عمر بهره فراوانی جست تا باز جای پائی برای خویش در افغانستان بیابد. دهلی نو، همواره خصومتی عمیق و ریشه‌دار نسبت به طالبان که آنها را مخلوق دستگاه اطلاعاتی میان‌ستادی پاکستان می‌پندارد به ثبوت رسانده است، تا جایی که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ حمایت خویش را از مقاومت اتحاد شمال به رهبری فرمانده احمد شاه مسعود دریغ نداشت. به چشم هندیان برهه زمامداری طالبان جلوه‌ای از یک نابهنجاری تاریخی بود؛ هندیان در سخنرانی‌های رسمی خود به کرات با گونه‌ای لحن غنائی از پیوندهای آباء و اجدادی میان دو ملت یاد می‌کنند و به ستایش از میراث بودائی آن کشور می‌پردازند تا به خویشاوندی فرهنگی و تاریخی که در میان است گواهی دهند. از اینرو دهلی نو به رغم فقدان مرز مشترک، افغانستان را همواره همچون همسایه بلافصل خود پنداشته است.

هند از سال ۲۰۰۲ فعالانه در تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از استقرار رژیم تازه‌ای مشارکت جسته که انتظار می‌رود افغانستان را در مسیر پویش دموکراسی و نوگرانی هدایت کند. بدینگونه این کشور با قول اعطای ۲/۱ میلیارد دلار، مشخصاً در زمینه‌های زیربنائی، بهداشت و آموزش (۲) در رده ششم کمک‌رسانان بین‌المللی به افغانستان (۳) جای گرفته است. اکنون کنسولگری‌های این کشور در افغانستان کم از چهار دفتر نیست که آنها را در هرات، مزار شریف، جلال‌آباد و قندهار گشوده است. این دفاتر کنسولی باعث دلنگرانی پاکستانی‌ها شده که آنها را پایگاه لجیستیکی دستگاه‌های اطلاعاتی هند می‌پندارند که گذشته از هدف‌های دیگر قصد آنها پیش‌بردن عملیاتی به منظور ایجاد بی‌ثباتی در درون مرزهای پاکستان به ویژه در بلوچستان است.

بدینگونه طی سال‌های دهه ۲۰۰۰ پویائی حاکم بر مناسبات مثلث افغانستان و پاکستان و هند وارونه گردیده و پیوندهای میان کابل و نیو دهلی آشکارا استوارتر شده است. بیشتر از آنرو که حامد کرزای، کسی که بر صدر رژیم افغان جای گرفته، دلبستگی‌های خویش به هند که بخشی از دوران تحصیل خود را در آنجا گذرانده است حفظ کرده. مقامات جدید کابل

برعکس در ارتباط با اسلام آباد به بیشترین بدگمانی ها و بی اعتمادی ها راه یافته اند: آنها نظامیان این کشور را متهم می کنند که از پایگاه های پشت جبهه طالبان شورشی به خصوص از سال ۲۰۰۶ به این سو محافظت کرده اند. تغییر نظام سیاسی پاکستان با عزیمت ژنرال پرویز مشرف و بازگشت غیرنظامیان به قدرت در سال ۲۰۰۸، معادلات موجود را به طور بنیادینی دیگروگون نکرد. هرچند آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان عزمی برای بهبود روابط با همسایه خویش نشان داده، اما از ایجاد هرگونه تغییرات محتوایی ناتوان بوده: پرونده افغانستان همچنان قلمرو انحصاری تشکیلات نظامی پاکستان باقی مانده است که به خطر هند در افغانستان یقین دارد.

گزینش میان کمک های وسوسه انگیز و دخالت

درچنین وضعیت فراگیری که امنیت در افغانستان رو به وخامت گذارده است، شهروندان هندی در محل، که شمار آنها را از سه تا چهار هزار تن تخمین می زنند، از سال ۲۰۰۶ آماج حملاتی بوده اند که آنها را مستقیماً نشانه گرفته. از آن گویا تر، دو سو قصد تروریستی پر دامنه ای بود که سفارت هند در کابل متحمل شد. به گفته دستگاه های اطلاعاتی هند و ایالات متحده، در سو قصد ژوئیه ۲۰۰۸، گویا دست اعضای تشکیلات دولتی پاکستان در کار بوده است. دهلی نو برای حفاظت از اتباع خویش نیروهای شبه نظامی به آن کشور گسیل داشته که این امر خود بر بدگمانی پاکستان افزوده است. ایالات متحده از آغاز مداخله خود در افغانستان دریافته بود که پاکستان در چاره جوئی بحران، از اهمیتی حیاتی برخوردار است. اسلام آباد در تضعیف شبکه القاعده کوشش های مهمی به خرج داده، اما در عوض در برابر هرگونه درخواستی برای یورش به پایگاه های طالبان افغانی که در خاکش استقرار یافته اند ایستادگی کرده است. سپس با اوجگیری بی ثباتی در افغانستان، مناسبات میان واشنگتن و اسلام آباد به زور آزمائی کشید: قول های وسوسه انگیز کمک، به تناوب، به فشارهای شدیدی جای سپرد. امری که همواره پاکستانی ها به سختی برتابیده اند، زیرا عقیده دارند که تاکنون هم بهای سنگینی در «جنگ علیه تروریسم» پرداخته اند. استدلال آنها بر بیراه هم نیست. در واقع طی سال های اخیر ارتش آنها کارزارهای دشواری را در نواحی ایل نشین علیه افراط گرایی پوشیده در راز و رمز پیش برده است؛ ارتش آن کشور همین تازگی ها تهاجم گسترده ای را در وزیرستان جنوبی، تیول طالبان پاکستانی، به پایان برد. این طالبان نیز به تلافی، بر سو قصد های انتحاری خود در سراسر خاک پاکستان افزوده و کشور را به نا امنی فزاینده ای رانده اند.

ایالات متحده که خواستار از میان برداشتن انگیزه های بی اعتمادی میان هند و پاکستان بوده است، به امید آنکه مقامات نظامی و سیاسی پاکستان را نرم سازد در پی محک زدن حسن نیت خویش در کشمکش و ستیزه کشمیر برآمد. به عقیده متولیان این ابتکار، با پرداختن به سرچشمه رقابتی دیرسال، یعنی با آرام سازی دعوا بر سر کشمیر، شاید بتوان اطمینان خاطری به پاکستان داد و آنگاه همکاری شایسته تری در باره پرونده افغانستان را از وی توقع داشت (۴). بدینگونه آقای ریچارد هولبروک (Richard Holbrooke)، پیش از برگماری به مقام نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان و پاکستان، امیدوار بود که مأموریت وی هند و کشمیر را نیز در برگیرد. دورنمای آنکه مأموریت یک میانجی آمریکائی نه فقط منطقه «افغانستان-پاکستان» را در بر گیرد بلکه به کشمیر نیز گسترش یابد، دیپلوماسی هند را از جا تکان داد. دستگاه دیپلوماسی هند بی درنگ اهرم های نیرومندی که موقعیت شریک استراتژیک ایالات متحده به وی ارزانی داشته است را به کار انداخت. آقای هولبروک ناگزیر شاهد کاهش دامنه مأموریت خویش «تنها» به افغانستان و پاکستان شد. با اینهمه

تلخکامی دهلی نو از مشاهده آنکه آمریکائی ها به این آسانی به مطالبات پاکستان برای پادرمیانی بین المللی گوش می سپارند فرو نکاست: هندی ها در باره مسئله کشمیر به جز مذاکره دو جانبه تصور هیچگونه ترتیب دیگری را به خود راه نمی دهند. نیازی به تصریح این نکته نیست که ملاحظاتی که ژنرال استنلی مک کریستال (Stanley McChrystal) فرمانده نیروهای آمریکائی و سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان به میان آورده بود بر دهلی نو گران آمد. ژنرال نامبرده در گزارش محرمانه خویش به باراک اوباما نوشته بود که «نفوذ سیاسی و اقتصادی هند در افغانستان رو به فزونی دارد (...). هرچند فعالیت های هندی ها تا حدود زیادی به سود مردم افغانستان است، [اما چنین] نفوذی احتمالاً بر وخامت تشنج ها و کشمکش های منطقه ای خواهد افزود».

هندی ها نه هرگز از گنه گزینه واشنگتن در بازشناسی پاکستان همچون شریکی ناگزیر در نبرد علیه تروریسم سر در آوردند و نه هرگز آنرا پذیرفتند. آنها معتقدند که ایالات متحده با آسانگیری و فقدان قاطعیت راه خطا رفته است. بدتر از آن، اینکه کشور مزبور وسائل و امکانات پیروزی در افغانستان را برای خویش میسر نمی سازد، زیرا به ریشه مشکل که آنرا در سمت پاکستان می توان یافت نمی پردازد.

با این وجود از هنگام بازدید مانموهان سینگ (Manmohan Singh) نخست وزیر هند از ۲۲ تا ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹ از واشنگتن، به نظر می رسد که سوء تفاهم میان دو کشور تخفیف یافته باشد. بیانیه مشترک سران دو کشور تصریح دارد که دو طرف «مصالح مشترک خویش به سود ثبات، توسعه و استقلال افغانستان، و لزوم شکست حریم های امن تروریستی در پاکستان و افغانستان را تکرار کرده اند. رئیس جمهور اوباما، از سهمی که هند در مساعی [بین المللی] به منظور مرمت و بازسازی افغانستان بر عهده گرفته ابراز خشنودی کرده است (۵)». [نتایج سفر آقای سینگ] اذهان هندیان را آرامش بخشید. افزون بر آنکه آقای اوباما طی نامه ای به زرداری رئیس جمهور پاکستان از وی مصرا خواست که «پاکستان بیش از گذشته در نبرد علیه کلیه نهضت های تروریستی نظیر القاعده، شبکه حقانی، طالبان افغانی، طالبان پاکستانی، لشکر طیبه همت گمارد (۶)». (از اینرو ممکن است که کمک های هنگفت آمریکا (بیش از یک میلیارد دلار در سال به مدت پنج سال) که در طرح قانونی گری-لاگر (Kerry-Lugar) در نظر گرفته شده مشروط گردند.

معذالک بر آوردن انتظارات مصرانه واشنگتن برای آقای زرداری دشوار خواهد بود، زیرا خود بیش از پیش در کشورش در موقعیت متزلزلی قرار دارد. دیوان عالی کشور فرمان عفو عمومی که در سال ۲۰۰۷ به سود چهره های متهم به فساد، از جمله خود وی صادر شده بود را لغو کرده است. درست است که وی در مقام ریاست جمهوری از تعقیب قضائی مصون است، اما چند تن از وزیرانش از جمله وزرای دفاع و کشور برکرسی اتهام نشسته اند. از اینرو حاشیه مانورهای سیاسی و نظامی وی بیش از پیش باریکتر می شود. در عمل احتمالاً ارتش است که تصمیم خواهد گرفت خواسته های آمریکا را رعایت کند و یا نادیده انگارد.

مواضع پاکستان و هند دست کم در یک نکته همگرا و آن تردید و نابوری مشترک در امکان کامیابی ائتلاف بین المللی در افغانستان است. البته هریک از دو همسایه از این تردید مشترک به نتایج کاملاً متفاوتی می رسند. اسلام آباد که یقین یافته نیروهای همپیمان دیر یا زود از افغانستان پا پس خواهند کشید، معتقد است که به سود وی نیست تا به نبرد با جناح هائی از طالبان برخیزد که شاید در میان مدت ستاره بختشان بار دیگر در افغانستان اوج گیرد. اسلام آباد از سوی دیگر برای گشودن

باب مذاکرات میان مقامات افغانی و این جناح ها در تکاپوست و می کوشد که خود را در موضع میانجی ناگزیری بنشاند. برد این قمار، یافتن جایگاهی برای تاثیرگذاری بروقاع در درون و موقعیتی بالا دست در یک پویش محتمل مذاکره است. هند به سهم خود از پیامدهای پا پس کشیدن تدریجی [نیروهای بین المللی] واهمه دارد که افغانستانی را به حال خود وانهد که هنوز بسیار شکننده و متزلزل و دستخوش همه گونه دست درازی های مخرب، مشخصا از جانب پاکستان است. هندی ها شکی ندارند که در صورت تحقق چنین فرضیه ای، دستگاه های اطلاعاتی پاکستان از آشوب و هرج و مرجی که پدید خواهد آمد سود خواهند جست تا باز اردوگاه های پیشین آموزشی تروریست هائی را فعال سازند که دیری نخواه پائید خود آنها را آماج مستقیم حملات خویش سازند (۷). گذشته از آن دهلی نو همچنان از فکر مصالحه و سازشی میان نیروهای افغانی که ممکن است گشودن باب بحث و گفتگو با برخی از رزمجویان طالبان را در بر داشته باشد سخت اکراه دارد. فراتر از بحران افغانستان، هند نگران بی ثباتی فزاینده ای است که پاکستان از آن در رنج است (۸). احساس غالب آنست که دستگاه های اطلاعاتی پاکستان دیری است با بازی دادن گروه های بنیادگرای مسلح نقش جادوگران ناشی را ایفا کرده و دیوی را از شیشه بیرون کشیده اند که بیش از پیش از مهارشان می گریزد. بسیاری از هندیان به ظرفیت و توانائی دولت پاکستان برای زیر و رو کردن این گرایش بدگمان اند. بدبین ترین آنها هم اینک هم وخیم تر شدن موقعیت در افغانستان را مجسم می کنند که با آمیختن با شکنندگی فزاینده پاکستان، دور نیست که درست در پشت دروازه های هند، کانون مهار گسیخته بحرانی را پدید آورد. اینهمه حکومت هند را از دفاع منافع و مصالح خود در افغانستان با احتساب بردی در میان مدت و دراز مدت باز نمی دارد. این کشور از این امید دست نمی شوی که روزی بتواند از طریق افغانستان به آسیای میانه دست یابد، و به ویژه نقب هائی به قزاقستان و ترکمنستان که سرشار از منابع انرژی را هستند بزند تا از این طریق مانع ... همواره و همیشگی پاکستان را دور بزند. پی نوشت ها ۱ -مقاله گراهام اوشر، با عنوان «تنش میان افغانستان، هند و پاکستان» را در شماره ماه ژانویه ۲۰۰۹ لوموند دیپلوماتیک را مطالعه فرمائید. ۲ - هند با تعهد کمک ۲/۱ میلیارد دلاری، افغانستان را دوست می گیرد»، روزنامه وال استریت جورنال، نیویورک، ۱۹ اوت ۲۰۰۹. ۳ -مقاله سارا دیویسون، با عنوان «هند و چین افغانستان را از یکدیگر می ربایند» را در شماره ماه دسامبر ۲۰۰۹ لوموند دیپلوماتیک را مطالعه فرمائید. ۴ -مقاله بارنت آر. رابین و احمد رشید، «از بازی بزرگ تا چانه زنی عظیم»، را در نشریه امور خارجه (Foreign Affairs)، نیویورک، شماره ماه نوامبر و دسامبر ۲۰۰۸، مطالعه فرمائید. ۵ -گزارش وزارت امور خارجه هند، «هند و ایالات متحده: مشارکت برای جهانی بهتر»، دهلی نو، ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹. ۶ -کارن دی یانگ، «ایالات متحده نقش تازه ای به پاکستان عرضه می دارد»، واشنگتن پست، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹. ۷ -هارش و. پانت، «افغانستان را درست دریابیم»، مجله چشم انداز هند (Outlook Magazine India)، نیو دهلی، ۱۹ اوت ۲۰۰۹.

۸- برای نمونه شماره های ویژه نشریه پراگاتی؛ بررسی مصالح ملی هند با عنوان «پاکستان به یک مک آرتور نیازمند است»، شماره ۲۳، فوریه ۲۰۰۹؛ یا مجله فرانت لاین (Frontline Magazine)، شماره ۶، نیو دهلی، ۲۷-۱۴ مارس ۲۰۰۹ با عنوان «چرخش های مهار گسیخته» را مطالعه فرمائید.